

در کارگاه کوچک جلیل پورعلی، سنگ‌های قیمتی معدن به سوغات تاریخی مشهد تبدیل می‌شوند

نگینی به نام خراسان

کمال خجندی؛ «ما می‌گوییم «سنگ سفید»، نگینی که از آن درمی‌آید، می‌شود «نگین خراسانی». ما کارمان همین است؛ همین که سنگ را ببریم و بتراشیم و از آن، نگین دربیاوریم؛ به همین دلیل هم اسم کار ما، نگین تراشی است. خیلی‌ها هم هستند که اجرت کارند و فقط اجرت کارشان را می‌گیرند. ما نگین تراش‌ها، دُر نجف، و «جزع یمنی، و «فیروزه نیشابور» و... هم می‌تراشیم».

این‌ها را «جلیل پورعلی، می‌گوید، یکی از ده‌ها نگین تراشی که در کارگاه کوچکش، مشغول تراش سنگی قیمتی است. نشسته است پشت دستگاه تراش و دارد کار نگین تراشی را توضیح می‌دهد، آن‌هم در محله‌ای که به محله «نگین تراش‌ها، معروف است. در محله نگین تراش‌های مشهد، در «کوی مهدی»، شغل خیلی‌ها نگین تراشی است. محله نگین تراش‌ها از یک طرف به «بولوارامت، می‌رسد و «بولوارمفتح، و «فلکه شیرمحمد، و از طرف دیگر پهلوپه پهلوی «تلگرد، است وزمین‌های پرت افتاده «صدمتری، در این محله. در کوچه و خیابان‌ها و خانه‌هایش، یک هنر اصیل ایرانی جریان دارد و نفس می‌کشد، هنر نگین تراشی که امروز به‌مناسبت «روز ملی حمایت از صنایع کوچک، درباره تاریخ آن نوشته‌ایم.

- ازخراسان به تاریخ

«سنگ سفیداز «بايگ می‌آید. آنجاچند نامعدن سنگ هست. معدن‌های آنجا قدیمی است، خیلی قدیمی. سنگ‌های دیگری هم هست، مثل سنگی‌هایی که از معدن «قائن» یا از معدن «فردوس» می‌آیند.معدن‌های «ترت حیدریه» و «تایباد» هم هستند اما آن‌ها سنگ دیگری دارند. نگینی هم که از آن سنگ تراش می‌خورد، چیز دیگری می‌شود. نگین خراسانی، بیشتر از همین سنگ‌های بايگ است».

نگین خراسانی، گونه‌ای از عقیق است؛ سنگی آتشفشانی از دوره‌های دور زمین‌شناسی و «عقیق»، احتمالا صورت معرب وزاویه ایرانی است که از ایران به اروپا رفته و «اگت» شده است، «دُر نجف» از همین خانواده است؛ سنگی شفاف و شیشه‌مانند.

برپایه تحقیقات باستان‌شناسی، نخستین استفاده‌بشر از عقیق، به هزاره سوم پیش از میلاد بازمی‌گردد که شواهدآن، جایی در تمدن «دره‌سند» یافت شده است؛ در بلوچستان باستانی که در محدوده‌ای وسیع میان پاکستان و افغانستان و ایران جای گرفته است. از این روی بی‌دلیل نیست که نگین تراش‌ها، به نگینی که از عقیق معدن بايگ به‌دست می‌آید، نام «خراسانی» داده‌اند. نگین‌های خراسانی از خراسان تاریخی به سرتاسر تاریخ، سفر کرده‌اند.

- مثل هندوانه سرپسته

«سنگ‌هایی که از معدن می‌آید، این قدری است». آقاجلیل، قلوه‌سنگی را از کنار دستگاه برمی‌دارد و نشانمان می‌دهد. سنگ به اندازه‌دوتا مشت آدم است.

ظاهرش با سنگ‌های دیگر، تفاوتی ندارد و سخت می‌شود بین آن و سنگ‌هایی که در همه کوه و تپه‌ها یافت می‌شود، فرقی گذاشت؛ «ما سنگ‌ها را کیلویی می‌خریم، از کیلویی ۴، ۵هزار تومان شروع می‌شود تا کیلویی ۴۰، ۵۰هزارتومان. بستگی به سنگش دارد». حتی سنگ‌های یک معدن، رگه‌به‌رگه با هم فرق دارد. یکی رگه مرغوب‌تر است و رگه‌ای بی کیفیت‌تر؛ «سنگی که از معدن می‌آید، معلوم نیست داخلش چه خبر است. به هندوانه می‌ماند که سرپسته است. تیغ که می‌اندازی، تازه معلوم می‌شود داخل سنگ چه خبر است».

«تیغ انداختن» اولین مرحله از کار نگین تراشی است. نگین تراش‌ها، سنگ را به ضخامت مدنظرشان، برش می‌زنند؛ درست مثل آشپزی که یک سیب‌زمینی را به ورقه‌های دلخواهش تبدیل می‌کند.ضخامت‌سنگ‌های برش‌خورده البته بسیار بیشتر از ورقه‌های سیب‌زمینی است و به این بستگی دارد که نگین، قرار است چقدر ضخامت داشته‌باشد. برش‌های یک‌سانتی‌متری، برش معمول بسیاری از سنگ‌های سفید است. سنگ‌های برش‌خورده، مقطعی ازسنگ‌رادر خودشان دارند که‌گاه یکدست است و گاهی لایه‌لایه. رنگ معمول سنگ اما از سفیدشیری‌رنگ است تاخاکستری مات؛ «سنگ‌ها که برش بخورد، بعد نوبت «دستگاه ساین» است. سنگ برش‌خورده را حالا به ابعاد نگین‌هایی که قرار است بسازیم، برش می‌زنیم. این‌دفعه برش‌ها یا دایره‌ای است یا بیضی. بعد هم شروع می‌کنیم به تراش دادن نگین». نگین‌ها از نظر فرم و شکل، انواع مختلفی دارند،

معمول‌ترین شکل آن‌ها، همان بیضی محدب است که شکل عمومی نگین‌هاست. یعنی سطح مقطعلش، بیضی است وشکلش محدب. گاهی هم نگین‌ها سطح مقطع دایره‌ای دارند. علاوه‌بر این، نگین‌هایی هم وجود دارند که به‌جای محدب بودن، تخت هستند. از این نگین‌ها برای حکاکی ادعیه و آورد استفاده می‌شود، «نگین‌های برش‌خورده را می‌چسبانیم سر چوب‌های کوچک که راحت‌تر بشود تراشش داد. به این کار می‌گوییم «گنذل کاری». گنذل، یک نوع چسب یا موم است که خودمان درست می‌کنیم با پودر «مل» و چسب صنعتی و... گنذل را می‌گیریم روی آتش، نرم که شد، با آن، نگین را می‌چسبانیم سر چوب. نگین که سر چوب‌باشد، راحت می‌شود تراشش داد یا پرداختش کرد. گنذل‌ها در سرما که بمانند، راحت از نگین‌ها جدا می‌شوند».

آقاجلیل چندتایی از چوب‌ها را که نگین‌ها به آن چسبیده‌اند، نشانمان می‌دهدومی‌گوید: «امروز بیشتر نگین‌هایی که دارم پرداخت می‌کنم، دُر نجف است». پرداخت، آخرین کاری است که نگین تراش‌ها، بادستگاه روی نگین انجام می‌دهند.

- حذف پنبه‌ها از بازار

نگین‌های خراسانی، رقبایی هم دارند. رقبای قدیمی در داخل کشور هستند و رقبای کردن کلفت از خارج کشور می‌آیند. مثل همه زمینه‌های دیگر اقتصادی، بازار نگین هم محل جولان محصولات چینی است، چینی‌ها که روزگاری به قصد تسخیر بازار شهرهای مذهبی، تنهاتسبیح تولیدی می‌کردند، حالا مدت‌هاست

هیچ کدام، از روش رنگ کردن نگین‌ها نمی‌پرسیم، بپرسیم هم کسی جواب نمی‌دهد. هرکسی خودش باید روش رنگ کردن نگین را یاد بگیرد. اسمش این است که مثلا محلول «دی کرومات، رنگ زرد می‌دهد و محلول «بد پتاس، رنگ قرمز. اما تا نگین رنگ بگیرد، هزارویک کار دیگر هم باید انجام بشود که هرکسی خودش می‌داند. کسی به کسی یاد نمی‌دهد. هر که خودش باید تجربه یاد بگیرد؛ یعنی آن‌قدر باید کار کند تا دستش بیاید که نگین چطور سرخ می‌شود و چطور زرد. کار رنگ گرفتن نگین‌ها بسته به جنس سنگ و عوامل دیگر، گاهی ۲۴ ساعت و گاه تا چند ماه طول می‌کشد. نگین‌ها باید در دبه‌های پلاستیکی، روزی یا روزهایی را بگذرانند تا خوش‌رنگ بشوند».

عوارض نگین تراشی

حالا را نبینید که دستگاه‌های برش و تراش و پرداخت، هنر نگین تراشی را به صنعت تبدیل کرده‌اند؛ تا همین سال‌های نه‌چندان دور، نگین تراش‌ها بااره‌های دستی و سمباده، سنگ‌ها را می‌تراشیدند و نگین‌ها را از دل آن‌ها درمی‌آوردند. حالا دستگاه‌های برقی، کار را ساده‌تر کرده‌اند اما هنوز هم نتوانسته‌اند یک مشکل را برطرف کنند؛ گردی که از سنگ‌ها برمی‌خیزد و موادی که در فرایند تولید نگین استفاده می‌شود، آرام‌آرام می‌نشینند به سینه نگین تراش‌ها و نفس کشیدن را برایشان سخت می‌کند. نسلی از نگین تراش‌ها با مشکلات فراوان تنفسی، دست وپنجه نرم می‌کنند. نسل نو اما تمهیداتی را به کار گرفته است تا عوارض



عکس: «جید نفیوری» آشپز را

سراغ نگین‌ها هم آمده‌اند.

تا پیش از تلاطم‌های این دوسه‌ساله اقتصاد کشور، وقتی دلار قیمت معقول تری داشت، سنگ‌های چینی به‌فراوانی وارد کشور می‌شدند و همیشه بخشی از بازار تولید نگین را در دست داشتند. سنگ‌های چینی همیشه رقیب نگین‌های خراسانی بوده‌اند و شانه‌به‌شانه هم بازار را در اختیار داشته‌اند. آقاجلیل در این باره توضیح می‌دهد: «چین، سنگ هم دارد و نگین هم می‌زند. برای سنگ‌های قیمتی و نگین، بازارهایی دارد که بیا و ببین! چهارتای بازار فردوسی، یک مجتمعش نمی‌شود. سنگ‌های چینی هم سنگ‌های خوبی است اما دیگر صرف نمی‌کند. دلار گران شده است».

حالا گرانی افسارگسیخته دلار، باعث شده است وارد کردن سنگ‌های چینی مقرون‌به‌صرفه نباشد و تولیدکننده‌ها ترجیح بدهند سراغ سنگ‌های داخلی را بگیرند. اکنون نگین‌های خراسانی، یک رقیب سرسخت را کنار زده‌اند ویکه تا ز بازار نگین‌های عامه‌پسند هستند. رقبای دیگی، سخت می‌توانند خودشان را به نگین‌های خراسانی برسانند.

«فردوس سنگ دارد اما رنگ نمی‌شود. از سنگ‌های معدن فردوس، نگینی می‌تراشیم که رنگش طبیعی است؛ رنگش همان رنگ خود سنگ است. ازطرفی هم خیلی‌ها نگینی می‌خواهند که رنگش، رنگ خود سنگ باشد. سنگ‌های معدن قائن هم هست که از آن، نگین «شجر» درست می‌شود، همین نگین‌هایی که داخل آن، رگه‌هایی مثل درخت قرار دارد. از آن معدن‌ها، نگین خراسانی درمی‌آید».



حرفه نگین تراشی را کم کند، اما همچنان کار

نگین تراشی، کاری پرعارضه است و می‌تواند

سلامت آدم‌ها را به خطر بیندازد؛ به همین

دلیل هم هست که این سال‌ها کارگاه‌های

نگین تراشی در محله نگین تراش‌ها، کم

و کمتر شده است.

نگین تراش‌های جوان، سیستم‌های

تهویه را به کمک گرفته‌اند تا در

حین تراش، گرد کمتری وارد هوا و

در نتیجه ریه‌هایشان بشود، اما

بخش دیگری نیز در کار

نگین تراشی هست

که سخت تر می‌شود

عوارض نامطلوب آن را

مدیریت کرد.

SHAHKARANEWS.IR

شنبه

۲۱ مرداد ۱۴۰۲
۲۵ محرم ۱۴۴۵
شماره ۲۰۰۱

۱۵



تاریخ و هویت

خراسان‌نامه

ساختمان سفید هلال سرخ

۱۸ سال از ثبت ملی ساختمان زیبای هلال احمر در میدان ۱۰ادی گذشت



هادی دقیق‌امیان ساختمان‌های هویت‌دار باقی‌مانده در منطقه ارگ مشهد، یکی کمتر در دید است؛ ساختمان قدیمی و زیبای هلال احمر بین سهره دارایی و میدان ۱۰ادی قرار گرفته است. در این مسیر اگر کمی بادقت از لایه‌لای چند درخت بلند حاشیه سمت راست خیابان نگاه کنیم، بنایی سفیدرنگ را می‌بینیم که تزیینات و شکل برپایی‌اش، مشابه هیچ کدام از بناهای اطرافش نیست. این ساختمان دیدنی با معماری بی‌نظیر، مربوط به هلال احمر خراسان رضوی است و بر سررد آن می‌شود عبارت «مجتمع فرهنگی آموزشی شهدای امدادر هلال احمر» را دید. درست پشت همین ساختمان هم استخر هلال احمر است که خیلی از بچه‌های مشهدی با کلاس‌های تابستانی آموزش‌شنای آن خاطره دارند. سالن آمفی تئاتر آن نیز روزگاری بسیار پرفت‌وآمدتر از امروز بوده است.

منطقه ارگ مشهد که امروز به خیابان امام خمینی^(ه) شناخته می‌شود، در سرگذشتش همیشه اولین‌ها را به خود دیده است. از این لحاظ، خیابان ارگ قدیم ساختمان‌هایی دارد که شاید عمر برخی‌شان چندان زیاد نباشد، اما جزو اولین‌های شهر مشهد و در نوع خودشان بی‌مانند هستند. بنای سفیدرنگ هلال احمر نیز مرداد۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی قرار گرفت و قدمتی شصت‌ساله دارد. این ساختمان از ابتدا تاکنون متعلق به هلال احمر بوده است. با همه این‌ها، قدمت بنا آن قدر زیاد نیست که آن را منحصربه‌فرد کند، اما معماری بنا به‌ویژه پلاناش خیلی چشم‌نواز است.

- بنایی با پلانی منحصربه‌فرد

براساس آنچه در گزارش ثبت‌ملی این ساختمان آمده است، پلان بنا تقارن محوری دارد و جهتش، شمال غربی-جنوب‌شرقی است. این یعنی اگر در همین جهت طرح پلان بنا را نصف کنیم، هر دو سوی بنا یک شکل است. پلان بنا از تداخل پنج استوانه و دو مستطیل به‌دست آمده است که ترکیبی زیبا از خطوط شکسته و منحنی را پیش چشم می‌کشد. بنا سه در ورودی دارد که در ضلع جنوب‌شرقی و رو به خیابان امام خمینی^(ه) قرار گرفته‌اند. ورودی دایره‌ای شکل بنا با تیغه‌های شعاعی عمودی جدا شده است که علاوه‌بر زیبایی بخشیدن به بنا، ورودی‌ها را از آفتاب، محافظت می‌کند و در سایه قرار می‌دهد و همچنین، به گردش هوا در داخل بازوها کمک می‌کند. بر سررد بنا، یک کاشی معرق با آرم هلال احمر و چند بیت شعر ازجمله شعر «بنی آدم، سعدی خودنمایی می‌کند.

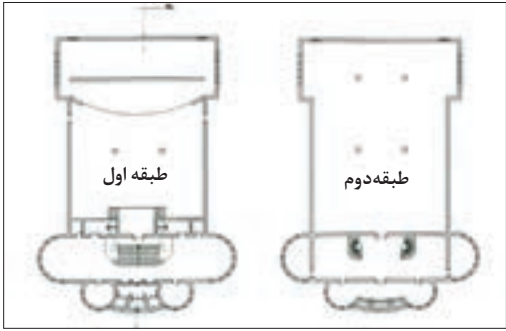
جلو هر سه ورودی، پله‌هایی هلالی شکل قرار دارد و پس از پله‌ها، حدفاصل ورودی‌ها تیغه‌هایی است که این سه را از هم جدا کرده است. جلوی‌اگر هر ورودی نیز یک پله است. پشت این سه ورودی، فضایی مستطیل شکل قرار دارد که باز از طریق یک در دیگر و چند پله به فضای بعدی می‌رسد. در دو طرف فضای ورودی، دو اتاق دایره‌ای شکل به چشم می‌خورد که هرکدام پنج پنجره رو به بیرون دارند.

بعد از گذشتن از این ورودی‌ها، فضای انتظار است که دو ضلع عرضی آن به شکل نیم‌دایره تربین شده است و بنا را از فضای خشک چهارگوش خارج می‌کند. در هر ضلع نیم‌دایره این سالن طویل، هشت پنجره وجود دارد که نور سراسر سالن را تأمین می‌کنند. در ضلع شمال غربی سالن انتظار و دو سوی پله‌هایی که به سالن اصلی می‌رسد، سرویس بهداشتی و انباری تعبیه شده است. ورودی سالن انتظار به سالن آمفی تئاتر نیز سیزده پله دارد که بازم در طراحی سه پله اول آن فرم نیم‌دایره استفاده شده است. دو طرف این پله‌ها، دو پله مجزا برای دسترسی به طبقه بالا ساخته شده است که دور یک ستون قطور می‌چرخد و به طبقه اول می‌رسد. این پله‌های گرد نیز از فضاهای چشم‌نواز داخل بناست. بعد از گذشتن از سالن انتظار، به سالن کنفرانس یا آمفی تئاتر می‌رسیم که فضایی مستطیل شکل با یک سن در انتهای آن است و دو ستون وسط آن، سقف این طبقه را نگه می‌دارند. پشت این فضا نیز یک اتاق بزرگ مستطیلی، طراحی شده است که به‌عنوان نمازخانه از آن استفاده می‌شود.

طبقه بالای سالن انتظار اما فضایی با پلان مستطیل است که دو گوشه آن، اتاق‌هایی نیم‌دایره ساخته شده است. در سمت شرق و روی ورودی بنا، در طبقه بالا نیز فضایی منحنی شکل قرار دارد که از تقاطع یک بیضی در وسط و دو نیم‌دایره در دو گوشه آن تشکیل می‌شود. چند در اصلی ازجمله ورودی وسط همین اتاق نیز درهای دو لت چوبی داشته‌اند. این فضای منحنی زیبا با پنجره‌هایی روی دیوار نیم‌دایره‌ای تربین شده است که به‌خوبی نور داخل آن را تأمین می‌کنند. فضای بالای سالن کنفرانس نیز مستطیلی بزرگ است که چهار ستون در آن تعبیه شده است.

- سرگذشت بنای قلمی

تقریبا دخل و تصرفی به جز جایگزینی در و پنجره‌های چوبی با نمونه‌های سازگارتر در این بنا رخ نداده است. حیاط پیرامون آن نیز که حکم حریم بنا را دارد و پا دیوارهایی محصور شده است، پر از درختانی است که شاید از روی اندازه و سن آن‌ها بشود به قدمت بنا پی برد. این بنا از ابتدا متعلق به هلال احمر بوده و همین استفاده مداوم هم باعث شده است از آن مراقبت شود و آسیب‌چندانی از قدمتش نبیند، با این حال این بنا نسبت‌به زمان تأسیسش، کمتر در دید است و بخش بزرگی از کارایی‌اش را برای نماسازی خیابان جذاب مشهد از دست داده است. اما هنوز هم می‌شود در سفری خیالی به گذشته، افقی از آسمان منطقه ارگ را دید که دور از چشم این‌همه ساختمان بلند، پیداست و زیرش، چند ساختمان دیدنی و خیابانی بدون ترافیک و بنای سفید هلال سرخ خودنمایی می‌کند.



شمایی از پلان طبقات اول و دوم ساختمان هلال احمر مشهد